

مرتضی حسینی دهکردی

یادداشتی بر کتاب *زنانه با پروین*

اثر شیریندخت دقیقیان

از جمله آثار لطیف و جان پروری که سراسر وجود مرا تسخیر کرده و کلمه به کلمه و جمله به جمله آن را آمیخته با جوهر شعری و نازک اندیشی های فلسفی و ظرافت های عرفانی یافتیم، «زنانه با پروین» اثر «شیرین دخت دقیقیان» است؛ کتابی که ویژگی های ممتاز و منحصر به فرد شعر پروین را همراه با خطوط زندگی و اندیشه های او در نهایت هنرمندی بازتاب داده و خوانندگان را با چشم انداز جدیدی از شعر «پروین اعتصامی» آشنا می کند. «زنانه با پروین» دفتری است از قطعه نویسی های دل آویز و اندیشه برانگیز.

در این اثر ممتاز خانم دقیقیان اشعار پروین را با دیدگاهی جدید مورد نقد و بررسی قرار داده و اندیشه های اجتماعی و عرفانی و راز و رمز جاودانگی اشعار او را با دوستداران اندیشه و زیبایی در میان گذاشته و بدین وسیله گنجینه ادبیات فارسی و نقد شعر را غنی تر و پربارتر ساخته است.

به راستی نمی دانم «زنانه با پروین» را چه بنامم؟ شعر؟ دفتری از قطعه نویسی های فلسفی-ادبی؟ و یا نثری موزون که مرزهای شعر را درمی نوردد؟ اما چه تفاوت دارد که آنرا چه بنامیم. «زنانه با پروین» اثری است دلکش که سراسر آن با صور خیال شاعرانه و کنایه ها و ابهام های ادبی و اندیشه های فلسفی و عرفانی به هم آمیخته و در نهایت زیبایی، زندگی و افکار و توانائی های پروین را بازتاب می دهد. شاید تنها با چنین درهم تنیدگی نوآورانه ای می شد ابعاد پیچیده و چندبعدی اندیشه و شعر پروین اعتصامی را بررسی کرد.

سالیان چندی است که نگارنده این سطور خانم دقیقیان را به عنوان فرزانه ای ارجمند و نویسنده آثار فلسفی و عرفانی و مترجم و شارح برجسته آثار کلاسیک و طراز اول فلسفه مغرب زمین می شناسم. اندیشمندی که آثار فیلسوفان غرب را به خوانندگان ایرانی معرفی کرده و مقاله های تحقیقی، شرح و ترجمه های فلسفی و گاه مصاحبه های او با فیلسوفان معاصر مغرب زمین بر اندیشه های نوین جهانی پرتو افکنده است: رولان بارت؛ مارتین بوبر؛ امانوئل کانت؛ جان لاک؛ ایزایا برلین؛ ابراهام هشل؛ لرد جانان ساکس؛ مایکل والز؛ هانا آرنت؛ لومارینوف؛ اسلاوی

ژیرک؛ اریش فروم؛ و کار ماندگار دقیقان در شرح و ترجمه کامل رساله فلسفی *دلالت الحائزین* اثر موسی بن مایمون (میمانیدس) در چهار جلد با عنوان فارسی *راهنمای سرگشتگان*. این آثار دقیقان خدمتی بزرگ به شناخت فلسفه غرب در میان ایرانیان بوده و حاصل بیش از سی سال فعالیت قلمی ایشان است که اغلب در رشته های دانشگاهی فلسفه و ادبیات مطالعه و تدریس می شوند. دقیقان همچنین یکی از سه دبیر شورای سردبیری گاهنامه فلسفی خرمگس است که همراه رامین جهانگلو و اسفندیار طبری معتبرترین تارنمای فلسفی ایرانیان را از سال ۲۰۱۳ اداره کرده اند. او سردبیر فصلنامه آرمان است که به همت دکتر ساموئل دیان و مدیر مسئولی دکتر مهدی سیاح زاده در لس آنجلس منتشر می شود. شیوه سردبیری دقیقان نوآورانه و با توجه به پرکردن شکاف نسل های روشنفکری ایران، پژوهش های چندفرهنگی و بدیع و بازتاب دادن فعالیت های فرهنگی مردم نهاد ایرانیان خارج از کشور است.

گفتنی است که ما ایرانیان راه درازی را برای پیشبرد و معرفی فلسفه غرب پیموده ایم. حدود ۸۵ سال قبل یکی از دانشمندان نامدار و دولتمردان بزرگ ایران به نام «محمد علی فروغی» با تالیف کتابی به نام «سیر حکمت در اروپا» موفق شد تا حدودی روشنفکران ایران را با نام و آثار و عقاید برخی از فلاسفه مغرب زمین آشنا کند. اما از آنجا که از دیرباز، فلسفه پایگاه چندان استواری در جامعه ایران نداشت و آثار فلسفی به ندرت مورد نقد و بررسی قرار می گرفت، مطالعات فلسفی کمرنگ شد. در دهه های اخیر اقبال دانشجویان و جوانان ایرانی به فلسفه که واکنشی به جزم اندیشی و خرافات رایج است، بر اهمیت نقش فلسفه پژوهانی چون شیریندخت دقیقان افزوده است.

در اثر درخشان «زنانه با پروین» خانم دقیقان مانند استادی روان شناس و روان کاو و همانند نامدارانی چون «داستایوفسکی» و «ارنست همینگوی» با سفر به اعماق وجود خویش موفق شده تا گفت و گوهایی را که سالیان سال در درون خود با شعر پروین اعتصامی داشته در این نوشتار بازتاب دهد.

«زنانه با پروین»، نه شعر است، نه نثر، هم شعر است و هم نثر، و به قول فرانسوی ها اثری است پست مدرن به روش *fragment* یا قطعه نویسی که شاید بتوان آن را گونه ای «مکاشفه» دانست: اکسیر نابی که عمق کلام پروین و برداشت های فلسفی و عرفانی و عاطفی او را بازتاب می دهد.

خلاقیت ویژه ای که در آفرینش این قطعه ها به کار رفته به حدی است که می توان «زنانه با پروین» را از آثار کم مانند ادبیات معاصر ایران به شمار آورد.

خانم دقیقان از خردسالی با دنیای سحرآمیز شعر پروین اعتصامی پیوند داشت و با شعر او گفتگویی درونی داشت. نه تنها آنها را با جان و دل می خواند، بلکه به بزرگسالی که رسید، مطالب نامرئی و سفید و نانوشته بین خطوط سیاه این اشعار را نیز احساس می نمود و آنها را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرارداد. همین خوانش های خطوط نامرئی است که افق های بیکران شعر پروین را آشکار می سازد.

در خردسالی با نخستین گفتگوهای بلبل و مور، کاه و کوه، گل و شبنم، دو قطره خون، و نخ و سوزن، طوطی و شکر، کرباس و الماس و بالاخره گل و خار در خیال پروری های کودکانه اش جایگاه ویژه داشت و آنها را با تفکرات کودکانه تحلیل می کرد (بند ۷).

در نوجوانی شعر پروین مفاهیم جدیدی برای خانم دقیقان پیدا می کند. او پرتو عشق زنانه و عرفان را در لابلای سطور نانوشته می بیند که برخلاف القای سنت و مذهب با هم جدالی ندارند و پروین را می بیند که خدا را در شبنم و نسیم بهاری و دل زنانه احساس می کند. (۱۱)

اما به هنگام جوانی در شعر پروین جستجوی عشق زنانه پرسشی بزرگ است... آیا پروین عاشق شد؟ چند بیت از او چنین گواه می دهند، اما زمانه بر بیان بی پروای آن پرده کشید. او پروین را می بیند که دل کنده از خانه جدایی دنبال صدای آشنائی می گردد که "از عرش عشق، در غبار غروب بیچد" (بند ۱۲)

"طرفه دنیائی است که مردان عاشق نمی شوند و زنان زندان بان زنانه" (بند ۱۷) در شعر پروین تمنیات جسمی و آرزوهای عاشقانه و سخنان زنانه به شیوه «فروغ» دیده نمی شود:

"پروین هیچ گاه مادر نشد، اما درد زایش بسیار کشید.

هر گاه صیاد، مرغکی را از شاخسار به زیر افکند: "فرزند مگر نداشت صیاد؟"

هر بار کودکی یتیم را در میهمانی به سخره گرفتند.

هر زمان، سرشک یتیمی، آینه وار، تصویر ستم را بازتاباند. هر خزان که تندبادی لانه ای را در هم کوفت. هر زمان، یتیمی کوزه استاد شکست، بی پای رفتن به خانه: "گل اگر بود، مادر من بود."

یتیم وارونه ای ست، مادر بی فرزند! " (بند ۲۱)

این حس های زنانه و مادرانه لطیف ترین تاثیرها را در شعر پروین به جا نهاد. دقیقان در لابلای سطور نانوشته دیوان پروین، به این باور می رسد که پروین، سراینده این آثار، "عارفی بی خانقاه" است، عارفی از یک نوع مدرن که دین فروشی نمی کند و در همبستگی با انسان ها و محرومان، یک لحظه از یاد هستی بخش کل، باز نمی ماند:

"نگو که ما را سرپناهی نیست،

امروز،

همه جا،

در آشیانه سارهای وحشی

برف می بارد... " (بند ۲۱)

و:

"کجایند درویشان؟ درخویشانند اینان!

پروین اما، عارف بی خانقاه. " (بند ۲۳)

در بند ۳۰ از گفتگوهای دو قطره خون، از نبرد بین خوبی و بدی، زشتی و زیبایی و روشنایی و تاریکی در شعر پروین سخن در میان است و بالاخره از جادوی عشق، نه به عنوان پدیده ای که به عشق های مجازی و یا آسمانی شهرت دارند، بلکه عشقی زمینی و جسمانی با همه موهبت هایی که اشک زن ۳۰ ساله ای را روان می سازد، اشارات لطیفی دارد: "اشک پروین قطره نیست اقیانوسی است از نچکیدن و سفره های اشک زیرزمینی." به راستی که تا کنون هیچکس نتوانسته لطیف تر از خانم دقیقان عشق ها، پندارها، تخیلات و زندگی پروین را از لابلای نانوشته های اشعار او دریابد و به خوانندگان انتقال دهد (بند ۳۱) و در پایان کتاب زمان نگاری از مهمترین رویدادهای زندگی فردی و ادبی پروین اعتصامی ارایه می دهد.

اثر درخشان «زنانه با پروین» با این خطوط قلم شیریندخت دقیقان به یاد پروین اعتصامی پایان می‌یابد:

"دل‌داده ای را پرسیدند، کوی عشق چگونه مکانی است؟

گفت بازاری پر آمد و شد. آن جا دل به دلدار می دهند تا دل او بستانند.

دلشده ای را پرسیدند، گفت: کاروانسرای با رهگذران اندک، که دل از کف می شود بی
چشمداشت سستی، و پیش روی، دشت در دشت، دل دوست گسترده است" (بند ۴۸).

بی هیچ تردیدی، «زنانه با پروین» را در رده درخشان ترین اشعار معاصر ایران می دانم.

سپتامبر ۲۰۲۰

مرتضی حسینی دهکردی